

خلاصه ی کلام:

مارکسیزم را بدون در نظر گرفتن نقش مرکزی فلسفه ی «عمل»، نمی توان به درستی درک کرد. فلسفه ی «عمل» نیز بدون حلقه رابط آن، یعنی «حزب پیشتاز انقلابی»، نمی تواند به «پراتیک انقلابی» تبدیل گردد. مارکس و انگلس با انتشار «بیانیه کمونیست»، کوشش کردند که مبانی وحدت بین «تنوری ی انقلابی» و «عمل انقلابی» در درون یک حزب کارگری را ایجاد کنند.

پایه های اساسی فلسفه ی «عمل»، در نکات زیر نهفته است:

الف) مفهوم جهان بینی تاریخی ی پرولتاریا، با تنوری ی عمل انقلابی پیوند خورده است.

ب) مفهوم ماتریالیستی تاریخ، همچنان بنیاد تاریخی تنوری ی عمل را تشکیل می دهد.

ج) مفهوم فلسفه، به مثابه یک تنوری که راهنمای عمل تغییر و تحول جهان است، باید از «تفسیر» صرف فراتر رفته و مرتبط با «پراتیک انسان» باشد.

د) وحدت «تنوری» و «عمل»، تنها در «عمل انقلابی» قابل تحقق است.

ه) «عمل انقلابی»، تنها در درون یک حزب کارگری کمونیستی که منافع عمومی کل طبقه کارگر و مسایل روزمره ی جنبش کارگری را در دستور روز قرار داده، قابل اجرا است.

م. رازی

۲۰ سپتامبر ۱۹۹۸